

رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در قبال مسأله بی‌حجابی و بدحجابی^۱

عبدالرحیم طرهانی^۲

سیدمهدی منصور^۳

دکتر علی جمادی^۴

چکیده

مسأله بی‌حجابی و بدحجابی به جهت تأثیر جدی که در حیات مادی و معنوی جوامع بشری دارد در دنیای ما از اهمیت خاصی برخوردار است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نگاه قانونی به این مسأله ایجاد شده است. این پژوهش در پی بررسی سیاست جنایی مشارکتی و پیشگیرانه جمهوری اسلامی ایران و به دنبال پاسخ به میزان و امکان مداخله نهادهای غیردولتی در دو سطح فعال و انفعالی نسبت به پدیده بی‌حجابی و بدحجابی زنان است. در این راستا با تحلیل محتوا و مطالعات کتابخانه‌ای، در تلاش برای بیان اقدامات پیشگیرانه و مشارکتی در این عرصه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برای کنترل مسأله بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه باید سیاست جنایی مشارکتی و پیشگیرانه در بالاترین درجه اهمیت قرار بگیرد؛ به ویژه این که پدیده بی‌حجابی و بدحجابی از جهتی ممکن است ورود در حوزه مسائل مربوط به حریم خصوصی افراد تلقی شود. در این میان می‌توان به برنامه‌های خانواده‌مدار، تدابیر آموزشی، بالا بردن سطح آگاهی مردم، مشارکت مردمی، ارتقای پاسخگویی و فرهنگ‌سازی اشاره کرد که نهادینه شدن حجاب در جامعه و دستیابی به عدالت در این شیوه بهتر محقق می‌گردد. البته این اقدامات باید از لحاظ کمی بیشتر و از لحاظ کیفی مطلوب‌تر گردد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی مشارکتی، بی‌حجابی، بدحجابی، حجاب.

۱- تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۸/۱۰/۱۵، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۳/۳۱

۲- دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

۳- استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، نویسنده مسئول

Sm_mansouri@yahoo.com

۴- استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، ایران.

درآمد

سیاست جنایی مشارکتی یکی از انواع سیاست جنایی است که به جهت نو بودن، از سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی در عصر ما بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. هرچند این روش در گذشته همواره مورد توجه مردم و سیاستمداران برای رفع مشکلات و از بین بردن نارسایی‌ها بوده است اما در عصر حاضر پس از دوره‌ای توجه نامعقولانه به کیفر و مجازات صرف بار دیگر شاهد کیفرهای منطقی و حرکت به سمت سیاست جنایی مشارکتی در بین کشورهای مختلف هستیم. «سیاست جنایی مشارکتی تازه‌ترین و مهم‌ترین گرایش سیاست جنایی محسوب می‌شود که در عصر معاصر در غرب، بنا به علل و عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جرم‌شناختی به‌ویژه بحران ناکارآمدی و ناتوانی نظام عدالت کیفری در استفاده صرف از ابزارهای سنتی زرادخانه حقوق کیفری، جهت مقابله با پدیده مجرمانه بروز پیدا کرده و بنابراین از عمر آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد.» (رستمی، ۱۴۰: ۱۳۸۶)

حجاب و نوع پوشش بانوان در اسلام، ادیان آسمانی و منطق سالم بشری پذیرفته شده و به شیوه‌ای از پوشش اطلاق می‌گردد که زن بتواند تمامی بدن خود را بپوشاند به شکلی که حضور او در جامعه باعث برانگیختن شهوت در مردان نگردد و با این روش جامعه سالم و زنان از آسیب‌های جنسی بیشتر در امان خواهند ماند. ضمن اینکه حجاب باعث شخصت‌بخشیدن و احترام ویژه به زن است و او را از برده بودن و کالای جنسی بودن نجات می‌دهد. برای جلوگیری از جرائم مختلف در کشورهای گوناگون بنا به قوانینی که دارند اقدامات کیفری و غیرکیفری انجام می‌گیرد به نظر می‌رسد در حرکت جوامع به سمت توسعه و عدالت اجتماعی و نیز امنیت بیشتر، اقدامات سرکوبگرانه به‌تنهایی کفایت و صلاحیت لازم را ندارد. «مشارکت وسیع مردم و نهادهای اجتماعی در برنامه پیشگیری از جرم و به‌بیان دیگر سیاست جنایی مشارکتی، امروزه با رشد روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی و جرائم و عدم کارآمدی روش‌های سنتی مبارزه با جرم، به‌عنوان یکی از موضوع‌های مهم و قابل توجه در قلمرو سیاست جنایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. زیرا پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند در تأمین امنیت فردی و اجتماعی مؤثر و مفید باشد.» (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۰۰) و از طرفی با توجه به اینکه بحث در خصوص

مسائل مربوط به حجاب، ورود در حوزه حریم خصوصی افراد جامعه می باشد، لذا از حساسیت خاصی برخوردار می باشد و دخالت قانون گذار، سازمان های دولتی، مراجع قضایی و پلیس در قبال جرایم مربوط به حجاب باید اصولی، علمی و اندیشمندانه باشد. چرا که به نظر می رسد با دخالت هایی که کشورهای سلطه گر در این موضوع به عمل می آورند همچون فشارهای رسانه ای و کارهای تبلیغاتی هر آینه ممکن است این اقدامات حکومتی و دولتی در قبال مسئله بی حجابی و بدحجابی باعث انشقاق گروهی از مردم و قرار گرفتن آنان در مقابل نظام حاکم باشد. در شرایط کنونی ضروری است سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی ایران در قبال بی حجابی و بدحجابی مبنی بر سیستم سرکوبگرانه اصلاح گردد زیرا که در کنترل جرایم و آسیب های اجتماعی کار آمد نبوده و آنچه که باید بیش از پیش در سیاست جنایی ایران در قبال بی حجابی و بدحجابی مورد توجه قرار گیرد، اقدامات پیشگیرانه و سیاست جنایی مشارکتی می باشد. در جامعه کنونی ما علاوه بر بی حجابی و بدحجابی برخی از دختران و زنان در فضای حقیقی و مجازی کشور برخورد عوامل حکومتی و سیاست های تقنینی، قضایی و اجرایی نامناسب با این مسئله خود باعث تشدید و حادث شدن موضوع گشته است. به نظر می رسد با تغییر سیاست های تقنینی، قضایی، و اجرایی و استفاده از سیاست جنایی مشارکتی و استفاده از برنامه های پیشگیرانه و مشارکت وسیع مردم می توان سیر صعودی بی حجابی و بدحجابی در کشور را کنترل کرد. قانونگذار در قانون به موضوع حجاب پرداخته و ترک آن را جرم پنداشته است و برای آن ضمانت اجرای کیفری قرار داده و در فصل هجدهم کتاب قانون مجازات اسلامی که مربوط به جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی است در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، آن را جرم انگاری نموده است. در این تبصره چنین آمده است. «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» به عبارتی به روشنی رعایت نکردن حجاب را جرم تلقی نموده و برای آن تعزیر قرار داده است. بر این قانون و تبصره ایراداتی وارد شده که برخی از محققان به آن اشاره کرده اند و این پژوهش قصد پرداختن به ایرادات آن را ندارد. بلکه سخن این است که الزام

قانونی برای حجاب و نگاه قانونگذار به این مسأله نه تنها باعث بهبود اوضاع حجاب در جامعه امروزی نشده است بلکه خود تحریک کننده مردم در جهت سوق به بی‌حجابی و بدحجابی بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد باید قانونگذار در تصمیم خود اصلاحاتی انجام دهد. ضمن اینکه جمهوری اسلامی ایران در کنترل بی‌حجابی و بدحجابی از سیاست‌های پیشگیرانه و مشارکتی نیز استفاده کرده و می‌کند و چنانکه می‌توان مشاهده کرد در جمهوری اسلامی ایران در قبال بی‌حجابی و بدحجابی سیاست‌های پیشگیرانه و مشارکتی نیز در عرصه‌هایی در حال پیگیری می‌باشد که به نظر می‌رسد برای عصر کنونی کافی نیست و باید بیشتر شود و درجه اهمیت و نگاه قانونگذار به این سیاست‌ها باید بیشتر شود. اساس پژوهش پیش رو این است که باید سیاست‌های پیشگیرانه و مشارکتی در رأس دیگر سیاست‌ها قرار گیرد و البته میزان اقدامات پیشگیرانه و مشارکتی باید از لحاظ کمی و کیفی بیشتر و بهتر گردد. این پژوهش با بررسی سیاست جنایی پیشگیرانه و مشارکتی جمهوری اسلامی ایران به نقد و تحلیل این سیاست در قبال مسأله بی‌حجابی و بدحجابی می‌باشد و تلاش دارد در آن حد که در ظرفیت پژوهش می‌گنجد روش‌های تازه و پیشگیرانه دیگری برای کنترل بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه ارائه دهد.

۱. مفاهیم

۱-۱. حجاب

کلمه حجاب از ریشه (ح ج ب) است. فراهیدی در کتاب العین حجاب را چنین تعریف کرده: «الحجاب ما حجب به شیء عن شیء» (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۸۶) یعنی «حجاب آن چیزی است که به واسطه آن چیزی از چیزی در حجاب قرار گیرد». در کتاب لسان العرب درباره معانی آن چنین آمده است: حجاب به معنای پوشش است، زن محجوبه یعنی زنی که بوسیله‌ای پوشیده شده است. همچنین حجاب نامی است برای آنچه بدان خود را می‌پوشاند. آنچه میان دو چیز حائل گردد، نیز حجاب نامیده می‌شود. جمع آن حجب است. کلام خداوند متعال که می‌فرماید «وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكْنُثٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ» (فصلت/۵) (ترجمه: گفتند دل‌های ما از آنچه ما را بدان دعوت

می‌کنی در پرده است و گوش‌هامان سنگین است و میان ما و تو حجابی است. تو به کار خودپرداز و ما نیز به کار خود می‌پردازیم) بدین معناست که میان ما و شما حاجز و فاصله‌ای در نحله (روش) و دین وجود دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۲۹۸)

مشهور است که خداوند در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور دستور وجوب حجاب را صادر نموده چنانچه در این آیات اینگونه می‌خوانیم: «به مردان با ایمان بگو دیده فرونهند و پاک‌دامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است * و به زنان باایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فروبندند و پاک‌دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را برگردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [هم‌کیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به‌گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.» (نور/ ۳۰-۳۱) سوره نور به لحاظ ترتیب نزول سوره قرآن صد و سومین سوره‌ای است که نازل شده‌است و این خود نشان‌دهنده این است که یک مسلمان برای رعایت احکام موجود در این سوره باید مقدمات بسیاری را بداند و به آن‌ها اعتقاد قلبی داشته باشد.

استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر که به معنی پوشش به‌کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعزّض این مطلب شده‌اند کلمه ستر را به‌کار برده‌اند نه کلمه حجاب را. چنان‌که گفتیم معنی شایع لغت حجاب پرده است و اگر در مورد پوشش به‌کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع‌شدن زن است که همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. در قرآن این کلمه ۸ بار بکار رفته که بیشتر به معنای حاجز، مانع و حائل بوده‌است. (مطهری، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۸)

فقه‌ها و علمای اسلامی مسئله حجاب و پوشش را معمولاً در دو جا مطرح می‌کنند. یکی در بحث نماز، از آن نظر که در نماز واجب است که زن تمام بدن خویش را بپوشاند، خواه نامحرمی وجود داشته باشد و یا وجود نداشته باشد؛ و دیگر در باب نکاح است. وجوب پوشش تمام بدن زن به استثنای وجه و کفین نسبت به نامحرم از ضروریات دین است و این حکمی اجماعی است. نهایتاً با توجه به تعریف فقها از حجاب که عبارت از پوشیدن تمام اعضای بدن زن به غیر از وجه و کفین است می‌توان گفت: که پوشش زن زمانی مناسب است که لباس او تمامی اعضای بدن زن را بپوشاند مگر دست‌ها تا مچ و صورت را که ضرورت ندارد و این تعریف فقها از حجاب می‌تواند معیار و ضابطه‌ای مناسب برای تشخیص قاضی و تعیین مصادیق بی‌حجابی باشد.

۲-۱. بی‌حجابی، بدحجابی

اگر در فقه و منابع اسلامی نظری کنیم در مقابل حجاب واژه بی‌حجاب را خواهیم دید و اساساً واژه بدحجاب در فقه جایگاهی ندارد و تعریف دقیقی در منابع از بدحجابی وجود ندارد؛ چراکه در منابع اسلامی فرد یا دارای حجاب است و یا برعکس که به آن بی‌حجاب می‌گویند. به عبارت دیگر بی‌حجابی نقطه عکس حجاب است به شکلی که در ضدیت با حجاب است. در واقع حجاب عبارت است از پوشیدن تمام اعضای بدن زن به غیر از وجه و کفین است و بی‌حجابی حالتی است که زن غیر از وجه و کفین را در برابر نامحرم آشکار سازد. نپوشاندن همه اعضای که باید پوشیده باشد، لباس‌های زاپ‌دار (پاره) و نیمه باز از مصادیق بی‌حجابی در جامعه است. مشخصاً این پوشش در شرع و عرف جامعه اسلامی قابل قبول نیست. هرچند در فقه حدّ وسط بین حجاب و بی‌حجاب مشخص نشده و فرد را یا باحجاب و یا برعکس بی‌حجاب خطاب می‌کنند. اما در عرف عام واژه بدحجاب به‌عنوان یک حدّ وسط برای فرد باحجاب و بی‌حجاب به کار می‌رود. گرچه فرد بدحجاب در رعایت حجاب، کزتابی ۱۸۰ درجه‌ای ندارد اما به هر حال چون در مسیر اشخاص بی‌حجاب قرار گرفته است، باید شناسایی و درمان شود. پس به نظر می‌رسد بدحجابی مقدمه‌ای باشد برای بی‌حجابی فرد و اگر بدحجابی درمان نشود بی‌شک به بی‌حجابی تبدیل خواهد شد. می‌توان گفت آنچه در عرف به آن بدحجاب

می‌گویند عبارت است از وضعیتی که در آن فرد دارای حجاب نیست اما خیلی هم بی‌حجاب نمی‌نماید و چنان‌که خوب بنگریم نشانه‌های کمی از بی‌حجابی داشته باشد. لباس‌های تنگ، بدن‌نما و تحریک‌کننده از مصادیق بدحجابی در جامعه است. که بی‌شک موجب جریحه‌دار نمودن عفت عمومی می‌شود.

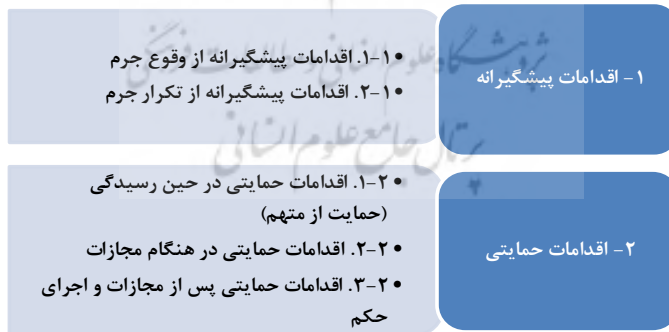
۱-۳. سیاست جنایی مشارکتی

منظور از سیاست جنایی مشارکتی، بررسی و مطالعه جایگاهی است که در سیاست جنایی یک کشور به جامعه مدنی از اعطای نقش به بزه‌کار، بزه‌دیده و به ویژه کل جامعه یا مردم داده شده است. پاسخ‌هایی که جامعه مدنی از طریق این ارکان سه‌گانه ارائه می‌دهد؛ را اصطلاحاً پاسخ‌های جامعه‌ی می‌گویند. (لازرز، ۱۳۸۲: ۶۱) بنابراین سیاست جنایی مشارکتی یعنی «یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضائی، پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم‌شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است.» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۲۳۱) در واقع سیاست جنایی مشارکتی بیان می‌کند که شما چگونه در مواجهه با یک پدیده مجرمانه از خود بزه‌کار و بزه‌دیده و کل جامعه انتظار دارید با آن پدیده مقابله و پیشگیری کنند تا به تدریج با این اقدامات پدیده مجرمانه از بین برود.

در خصوص بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه و اصلاح آن با روش سیاست جنائی مشارکتی باید گفت که تمامی فعالیت‌هایی است که از طرف نهادهای اجتماعی و مدنی برای پیشگیری یا مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه طراحی و اجرا می‌شود. هرچند در جامعه کنونی ما از این سیاست نیز در کنترل بی‌حجابی و بدحجابی استفاده می‌گردد اما به نظر می‌رسد که این اقدامات کافی نیست و قانونگذار باید بیشتر توجه خود را در مسئله بی‌حجابی به سیاست جنایی مشارکتی معطوف کند. به نظر می‌رسد حجاب یک پدیده اجتماعی است و نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مردمی خود می‌توانند آن را برای مردم ارزش‌گذاری کنند

چنانچه می‌تواند بی‌حجابی را ارزش بدانند که آن موقع دیگر حتی قوانین کیفری نمی‌تواند فرد را قانع کند که حجاب را رعایت کند. به نظر می‌رسد نظام ارزش‌گذاری و الگوسازی اجتماعی و استفاده از مشارکت جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در مسئله بی‌حجابی نقش بسیار مهمی دارد. سیاست جنایی مشارکتی هم اقدامات پیشگیرانه و هم اقدامات حمایتی را دربر می‌گیرد و به عبارتی اگر هم قبل از وقوع جرم باید به فکر چاره و درمان بود و هم پس از جرم. البته اگر پیشگیری به شکل صحیح انجام گیرد انژی کمتری صرف اقدامات حمایتی خواهد شد. در جدول ذیل مدل مطلوب سیاست جنایی مشارکتی را می‌بینید. همان‌طور که در جدول ذیل مشخص است آنچه که ما در سیاست جنایی مشارکتی به دنبال آن هستیم رسیدن به امنیت و عدالت در پرتو حضور مردم برای پیشگیری و حمایت از افراد متهم است. شاید اگر ما اقدامات پیشگیرانه را به‌درستی در کشور انجام بدهیم دیگر نیازی به اقدامات حمایتی نباشد یا لاقبل به دلیل کم شدن جرم نیاز به اقدامات حمایتی کمتر خواهد بود. در بزه بی‌حجابی مانند سایر جرم‌ها پیشگیری بسیار مطلوب‌تر و مفیدتر است و ما را زودتر به نتیجه دلخواه می‌رساند. البته این به معنی فراموشی اقدامات حمایتی نیست و اقدامات حمایتی نیز باید در این زمینه انجام شود.

مدل مطلوب مدیریت راهبردی سیاست جنایی مشارکتی



(جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۶۲-۲۶۳)

«در سیاست جنایی مشارکتی یا سیاست جنایی همراه با مشارکت افراد و نهادهای مختلف جامعه، به حضور مردم، نهادهای مدنی و رسانه‌های جمعی به‌عنوان اهرم‌های تقویتی دیگری به غیر از نیروی انتظامی یا ضابطین قوه قضاییه در پیشبرد و اعتبار بخشیدن به یک طرح سیاست جنایی پرداخته می‌شود. شرکت دادن مردم در اجرای سیاست جنایی، ضمن تسهیل اجرای آن، نشان می‌دهد که پیشگیری و مقابله با بزه‌کاری و نیز کمک به بازسازی‌گاری، بازپروری بزه‌کاران و کاهش مشکلات آنان و خانواده‌هایشان از جمله اموری هستند که به همه اعضای جامعه مربوط می‌شود.» (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۵۳) در ادامه به شرح سیاست جنایی مشارکتی در قبال مسأله بی‌حجابی و بدحجابی پرداخته خواهد شد و البته مطابق با الگوی بالا اقدامات پیشگیرانه را در این حوزه بررسی خواهیم کرد.

یکی از مطالعات اصلی و بحث‌های جدی صاحب‌نظران علوم انسانی در سیاست جنایی، پیشگیری از وقوع جرم است. به نظر می‌رسد این شیوه از روش‌های اساسی و بنیادی در سوق دادن افراد به دوری از جرم باشد به ویژه این روش در درمان رفتارها و ناهنجاری‌های اجتماعی بسیار مؤثر است. از نظر لغوی پیشگیری به معنای «جلوگیری و دفع» (معین، ۱۳۸۱: ۹۳۳) آمده است. در فرهنگ دهخدا نیز در ذیل این واژه چنین آمده است که پیشگیری یعنی: «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن، آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۹۱) چنانچه ملاحظه می‌کنید دو معنا برای این واژه در کتاب دهخدا به کار رفته است. اول آنکه قبل از وقوع کاری باید بر آن سبقت و پیشی گرفت و دوم خبر و هشدار دادن برای جلوگیری از وقوع کاری. که به نظر می‌رسد هر دو معنا در این پژوهش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. به عبارتی هم باید از وجود این پدیده در جامعه خبر و هشدار داد و هم باید برای کنترل آن با روش‌هایی، سبقت و پیشی گرفت و از رشد آن جلوگیری نمود.

رویکرد موسع از پیشگیری شامل تدابیر کنشی و واکنشی و اقدامات کیفری و غیرکیفری است که در اکثریت نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. چنانچه در ماده یک قانون پیشگیری از وقوع جرم در این باره چنین آمده است که «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع

جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن.» برخی از حقوق‌دانان در تعریف پیشگیری به معنای عام چنین گفته‌اند که «پیشگیری به معنای عام را می‌توان به‌کارگیری راه‌های گوناگون برای جلوگیری از بزهکاری توصیف کرد.» (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۵۹) اما در پیشگیری به معنای مضیق، آن دسته از سازوکارهای سیاست جنایی را در برمی‌گیرد که مقدم بر ارتکاب جرم بوده و با هدف کاستن از وقوع جرم تنظیم شده‌است. «مجموع اقدام‌های جنایی به‌استثنای اقدام‌های کیفری که غایت و هدف انحصاری یا لاقلاً جزئی آن محدود کردن امکان وقوع مجموعه‌ای از جرائم باشد. (همان: ۷۳۵) درواقع در معنای مضیق پیشگیری به دنبال محدود کردن وقوع جرم با اقدامات غیر قهرآمیز و اجتماعی است.

۲. اقدامات مشارکتی کنش محور و پیشگیرانه از وقوع جرم بی‌حجابی و

بدحجابی

هدف از سیاست جنایی مشارکتی کنش‌محور استفاده از مردم و نهادهای مدنی در کاهش وقوع جرم و تکرار آن است. پیشگیری در این شکل، نوعی پیشگیری غیرکیفری محسوب می‌شود و عبارت است از جلوگیری از به فعل درآمدن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی که یک سلسله جرائم مشابه در آن به وقوع پیوسته و یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد. (کاوه، ۱۳۹۱: ۳۲) درواقع پیشگیری کنشی، اقدام مناسب غیرکیفری است که از طریق کاهش یا از بین بردن عوامل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب جرم در تلاش برای جلوگیری از وقوع جرم و بزه است.

به عبارت دیگر برای تحقق یک سیاست جنایی واحد در سطح کلان، نه تنها مشارکت طیف گسترده‌ای از کنش‌گران این عرصه را نیاز دارد، بلکه نوعی هماهنگی و انسجام در بین تمامی ارکان فوق را می‌طلبد. بنابراین سیاست جنایی مشارکتی یعنی «یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضائی، پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در

مقابله با پدیده مجرمانه است.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۳۱) به این ترتیب ابزارهای پیشگیری کنشی، فرهنگ‌سازی در رفتارهای اجتماعی است، با تأکید بر پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، انتشار آمار به قصد آگاه‌سازی جامعه و رشد افکار مردم خصوصاً در مواردی که امکانات اخذ آمار برای مؤسسات غیردولتی فراهم باشد، به نقش مردم در کاهش جرم می‌پردازد.

۳. پیشگیری

انسان موجودی اجتماعی است که بسیاری از رفتارهای او تحت تأثیر جامعه و محیط اجتماعی‌اش است. در واقع بخش بزرگی از رفتارهای انسان به سبب محیط اجتماعی و فرهنگی خاصی است که در آن قرار گرفته است. منظور از پیشگیری اجتماعی تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که منجر به اصلاح فرد و جامعه گردد و از وقوع جرم بتواند به شکل پایدار و دائمی جلوگیری نماید. تدوین سیاست‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اولین و بنیادی‌ترین اقدام لازم در جهت مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی و از جمله بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه به شمار می‌آید. چراکه ایجاد انسجام، ثبات، هماهنگی بین نهادهای اجرایی، قانون‌گذاری، قضایی، علمی و آموزشی و ایجاد شفافیت و سرعت و دقت در فرآیند برخورد با معضلات اجتماعی بدون تدوین و ارائه برنامه‌ای نظام‌مند و برآمده از قانون اساسی امری ناممکن خواهد بود.

پیشگیری اجتماعی به دو شاخه پیشگیری جامعه‌مدار و پیشگیری رشدمدار تقسیم می‌شود. در پیشگیری جامعه‌مدار که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیرکیفری است، اقدامات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشگیرانه نسبت به محیط اجتماعی اعمال می‌شود. در پیشگیری اجتماعی رشدمدار، عوامل خطر گرایش افراد به ارتکاب جرم در نهادهای جامعه‌پذیری نخستین، خانواده، مدرسه و گروه همسالان مورد شناسایی و ارزیابی قرار می‌گیرد و با اتخاذ تدابیر مناسب و مرتفع کردن شرایط خطر در این محیط‌ها پیشگیری را محقق می‌کند. (محمودی، ۱۳۹۰: ۲۹) چنانچه گفته شد در پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار، اقدامات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشگیرانه نسبت به محیط اجتماعی اعمال

می‌شود. که در ذیل به تشریح این اقدامات در قبال جلوگیری از بی‌حجابی و بدحجابی پرداخته می‌شود. باید گفت که عوامل محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی بی‌شماری در بی‌حجابی و بدحجابی زنان ساکن در ایران دخالت دارند با توجه به این نکته باید دانست که از بین بردن این عوامل قطعاً باعث بهبود پوشش در خانم‌ها خواهد شد.

۳-۱. بستر اقتصادی مناسب

بستر اقتصادی و اوضاع اقتصادی جامعه به اشکال گوناگون در رشد بی‌حجابی و بدحجابی دخالت دارد. شیوه اول آن زمان است که فرد قادر به خرید اجناس خوب و باکیفیت نیست و درواقع توانایی خرید لباس‌های محجبه را ندارد به قول سعدی «غم فرزند و نان و جامه و قوت / بازت آرد ز سیر در ملکوت» (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۰۵) فقر مالی در پاره‌ای موارد می‌تواند ایمان انسان را نیز تهدید کند. همان‌طور که رسول خدا (ص) می‌فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» ترجمه: فقر، به کفر ورزیدن نزدیک است.» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۰۷) وقتی فقر می‌تواند ایمان را از بین ببرد پس چگونه انتظار می‌رود که فرد فقیر حجاب داشته باشد. در کلام ائمه فقر یکی از بلاهای بزرگ معرفی شده است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لُفْقَرُ الْمُؤْتِ الْأَكْبَرُ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷: ۴۷۴) ترجمه: فقر، مرگ بزرگ است.) باوجوداین باید انتظار داشت که کسی که توانایی مالی خرید چادر را ندارد بدون چادر وارد اجتماع شود و کسی که توانایی خرید لباس باکیفیت که به‌وسیله آن حجاب و پوشش را درست کند، ندارد باید از مدل‌های ارزان‌قیمت بازاری استفاده کند که بعضاً دارای طراحی‌هایی می‌باشند که خارج از شأن و عرف می‌باشند. یک نظام اقتصادی سالم و پایدار قطعاً در پیشگیری از وقوع جرم نقش خواهد داشت. بسیاری از افراد جامعه که اسیر مد و فرهنگ مهاجم می‌شوند از لحاظ اقتصادی سامان مناسبی ندارند و به نظر می‌رسد برخی از حمایت‌های مالی به‌ویژه از زنان بی‌سرپرست و مطلقه و دخترانی که وضعیت اقتصادی آنان مطلوب نیست بتوانند کمک وافر در جهت رفع بی‌حجابی و بدحجابی بنماید. اما این همه ماجرا نیست؛ چرا که در مسأله بی‌حجابی و بدحجابی بیشتر گروه مرفه جامعه که از نظر اقتصادی

مشکل چندانی ندارند حضور دارند پس به نظر می‌رسد این گروه باید شناسایی شود و اهداف و ایده‌های آنان بررسی گردد و برای آنان طرح‌ها و برنامه‌های مناسب داده شود. در این زمینه باید نسبت به درآمدهای مردم هوشیار گشت و اختلاف طبقاتی زیاد را با اتخاذ تدابیر کلان از بین برد، چراکه بی‌شک این کار در زمینه کنترل بی‌حجابی و بدحجابی نقش خواهد داشت.

۲-۳. ساماندهی مد و لباس

چنانچه در مدل مطلوب سیاست جنایی مشارکتی بیان شد پیشگیری از وقوع جرم بخشی از سیاست جنایی مشارکتی است در این زمینه از اقدامات پیشگیرانه رسمی که برای کنترل بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه به شکل رسمی شروع شده، قانون ساماندهی مد و لباس است. از طرفی قانون ساماندهی مد و لباس هم می‌تواند پاسخی هرچند خفیف به مشکلات اقتصادی باشد و هم به عنوان یک کار فرهنگی محسوب می‌شود و به عبارتی می‌تواند برای زنان جامعه الگوی مناسب طراحی کند که سلیقه عمومی جامعه را به سمت این الگوهای مناسب معطوف کند. در واقع اگر این قانون به درستی اجرا گردد می‌توان امیدوار بود که بخشی از زنان که برای مشکلات اقتصادی یا به سبب طراحی و کیفیت لباس شیفته لباس نامناسب می‌شوند دیگر به سمت لباس و پوشش بی‌حجاب نروند. این قانون مشتمل بر یازده ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوازدهم دی‌ماه یک هزار و سیصد و هشتادوپنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۰ به تأیید شورای محترم نگهبان رسید. در ماده یک آن چنین آمده‌است: به منظور حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی، ارج نهادن، تبیین، تثبیت و ترویج الگوهای بومی و ملی، هدایت بازار تولید و عرضه البسه و پوشاک بر اساس طرح‌ها و الگوهای داخلی و نیز در جهت ترغیب مردم به پرهیز از انتخاب و پرهیز از مصرف الگوهای بیگانه و غیر مأنوس با فرهنگ و هویت ایرانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است جهت پی‌ریزی ساختار مدیریتی موضوع این قانون، کار گروهی (کمیته‌ای) متشکل از یک نفر نماینده تام‌الاختیار از هر کدام از وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، بازرگانی، صنایع

و معادن، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سه نفر از نمایندگان صنوف ذی‌ربط (طراحان و تولیدکنندگان) و یک نفر نماینده از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به‌عنوان ناظر تشکیل دهد. اما پس از سال‌ها که از تصویب این قانون گذشته است چنان‌که بایسته و شایسته است نمودهای عینی آن را در جامعه نمی‌بینیم و همچنان کم‌کاری‌های بسیاری در این عرصه مشاهده می‌گردد. به نظر می‌رسد به شکل جدی موارد زیر باید پیگیری شود.

- لزوم ساخت لباس‌های محجبه و باکیفیت در کشور.
- ایجاد مراکز فرهنگی عرضه لباس‌های محجبه در سراسر کشور.
- تعیین قیمت مناسب برای لباس‌های محجبه در سراسر کشور.
- الگوسازی با استفاده از قدرت رسانه‌ها در تبلیغ لباس‌های محجبه.
- جلوگیری از ورود، تولید و عرضه برخی از انواع مدل لباس که موجب رواج بی‌حجابی است.

۳-۳. بستر اجتماعی مناسب

به اقداماتی که در حوزه‌های هویت فردی، خانوادگی، همسالان، اجتماعی و دینی افراد انجام می‌شود تا فرد از جرم دور گردد و یا رابطه فرد با جرم قطع شود. اما این اقدامات نباید از نوع اقدامات جبری و ارباب‌مدارانه باشند. باید دانست و در خانواده، مدرسه و اجتماع برای زنان و دختران توضیح داد که حجاب قانون فطرت است و سرپیچی از قوانین فطری، زن را از هویت او خارج می‌کند و خروج از هویت انسانی موجب سقوط از جایگاه بلند ارزشی - شخصیتی می‌شود. از این رو با افول شخصیت زن، بی‌بندوباری در جامعه رایج و نظام خانوادگی نیز مختل می‌گردد که نتیجه آن سلب امنیت اجتماعی از افراد جامعه است. (اکبری، ۱۳۷۶: ۹۰-۹۳) زیرا زن با از دست دادن شخصیت خویش ارزش‌های منهدم شده و هوسرانی را در جامعه رواج می‌دهد. که این امر کاهش سلامت اخلاقی و در پی آن امنیت اجتماعی را در پی دارد. پس به نظر می‌رسد دختران باید در خانه، مدرسه و اجتماع از لحاظ روحی و اجتماعی تقویت شوند تا بتوانند هویت فردی، گروهی، ملی و دینی خود را بیابند.

۳-۳-۱. نقش خانواده

خانواده محمل سیر دادن آدمی به سوی کمالات است و هیچ پایگاهی همچون خانواده نمی‌تواند چنین نقش بسترسازی را داشته باشد. فرزند عزیزترین فرد برای پدر و مادر است و طبیعی است آن‌ها دوست بدارند که عزت و سربلندی خانواده همچنان محفوظ بماند و در زندگی آینده فرزند تداوم یابد، در این راستا است که والدین کودک هم از لحاظ شرعی، عقلی و هم از نظر اخلاقی موظف به تربیت فرزند می‌شوند. از سوی دیگر از مهم‌ترین حقوق فرزندان بر والدین حق تربیت است و تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای این که استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. (دلشاد، ۱۳۸۵: ۲۵)

نقش خانواده در پیشگیری از بی‌حجابی و بدحجابی بسیار مهم و قابل تأمل است. در رعایت عفت و حجاب، زن و شوهر در خانواده هر دو نقش مؤثری دارند. در حقیقت زن و مرد هر دو ملزم به رعایت موازین اسلام با قلب، زبان و عمل هستند. تا در نتیجه رعایت این امور، اول اینکه دارای خانواده‌ای سالم باشند و بعد بتوانند در فرزندان نیز تأثیرگذار باشند. در اسلام عفت و پاک‌دامنی عمومی به دلیل سالم‌سازی عرصه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از بهترین خصلت‌ها به شمار آمده است. پیامبر اکرم (ص) اصل عفت را به‌عنوان یک ارزش در جامعه رواج داده و بر پاک‌دامنی زن و مرد مسلمان و دوری از آلودگی و فحشا پای فشرد و طنین روح‌بخش کلام الهی را برایشان بازگو و مؤمنان را مصداق این آیه قرآنی دانسته که «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ» (مؤمنون/۵) ترجمه: «و آنان کسانی هستند که دامن خودشان را (از ناپاکی) حفظ می‌کنند.»

۳-۳-۲. نقش محیط‌های آموزشی

نهادهای مدنی آموزشی مانند آموزش و پرورش و دانشگاه نیز در پیشگیری از جرائم بسیار مؤثر خواهند بود، البته اگر دولت بتواند نقش خودش را در این بخش به‌عنوان سیاست‌گذار برنامه‌های اجرائی به‌درستی ایفا کند. به نظر می‌رسد که در پیشگیری از جرائم، نقش نهادهای آموزشی بسیار پررنگ است. برای پیشگیری از بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه نهادهای آموزشی می‌توانند اقداماتی را انجام دهند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- ارتقاء سطح آگاهی جامعه و بارز نمودن ارزش‌های انسانی و اخلاقی در جامعه.
- در اولویت قرار دادن مسأله حجاب و هویت دینی در مراکز آموزشی.
- ارائه راهکارهای علمی برای از بین بردن باورهای غلط و حذف بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه.
- تأسیس مراکز مشاوره تخصصی حجاب برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها.

۳-۳-۳. نقش رسانه‌ها

امروزه رسانه‌ها به واسطه کشف و به‌کارگیری فن‌آوری‌های جدید ارتباطی تا عمق جوامع نفوذ کرده و از تأثیر بسزا و ویژه‌ای در جهت‌دهی افکار عمومی برخوردار گشته‌اند. انسان در آغازگاه قرن بیست و یکم در هاله‌ای از امواج و دریایی از اطلاعات غوطه می‌خورد و این طلوع عصر جدیدی است که بر پایه ارتباطات و اطلاعات شکل خواهد گرفت. تنها افراد یا ملت‌هایی قادر به بهره‌گیری بهینه از عصر جدید خواهند بود که از قدرت و توان لازم برای پالایش امواج و سازمان‌دهی اطلاعات برخوردار باشند. زیرا رسانه‌ها با کارکردهای مشخص و تعیین شده خود جایگاه خاصی یافته‌اند؛ از اطلاع‌رسانی گرفته تا ایجاد سرگرمی، از آموزش و طرح مسائل نظری، علمی و بنیادین گرفته تا گزارش‌های مختلف و اخبار از گوشه و کنار جهان. تمامی این موارد موجب گردیده تا رسانه‌ها در حال حاضر به عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل در جهت‌دهی افکار عمومی تلقی گردد. «ثرگذاری و سائل ارتباط جمعی بسیار وسیع و گوناگون است، این آثار ممکن است در دراز مدت و یا در کوتاه مدت بروز نماید. ممکن است قوی یا ضعیف باشد. این آثار ممکن است از جنبه‌های مختلفی که در محتوای ارتباطات وجود دارد نشئت گیرد ممکن است روانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد و همچنین احتمال دارد بر روی عقاید، ارزش‌ها، مهارت‌ها، سلیقه‌ها و رفتارهای ظاهری تأثیر بگذارد.» (معتدنازاد، ۱۳۵۵: ۳۱)

به نظر می‌رسد رسانه‌ها بیشترین تأثیر را در عصر کنونی بر رفتار افراد داشته‌اند و دارند. اما وقتی بحث از رسانه می‌شود منظورمان همه رسانه‌های ارتباط جمعی است داخلی، خارجی، دیداری، شنیداری و نوشتاری که سهم رسانه‌های دیداری بیش از دیگر رسانه‌ها است. باید دانست که گاهی رسانه الگوی خاصی از زندگی را ترویج می‌کند و با

این کار افراد را از سنت‌ها و فرهنگ بومی خود جدا می‌سازد. در این زمینه باید دقت کرد که اولاً رسانه‌های داخلی فرهنگ اسلامی و ایرانی را برای زندگی ترویج کنند و دیگر آن‌که افراد را از اهداف رسانه‌های بیگانه و تبلیغات سوء آنان آگاه کرد. برای مشارکت نهاد مدنی رسانه به‌طور خاص در مقوله‌ی پیشگیری از بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد.

- لزوم تبعیت تمامی برنامه‌های صداوسیما از حجاب، نه اینکه فقط گوینده خبر حجاب داشته باشد.

- افراد شاغل در رسانه باید در جامعه نیز باحجاب باشند چراکه عدم این کار بار منفی بسیاری دارد.

- اختصاص بودجه و تشویق برنامه‌ریزان جهت تهیه فیلم‌ها و سریال‌های با مضامین فاخر تربیتی، دینی، اخلاقی با در نظر گرفتن میزان پذیرش و ظرفیت اجتماع و انطباق‌پذیری با فرهنگ جامعه.

- دعوت از مشاورین خبره و کارشناسان جهت تدوین و تدارک برنامه‌های آموزشی برای ساختن هویت دینی خانواده‌ها، تحلیل و ریشه‌یابی مشکلات این حوزه، رفع شبهات و ابهامات موجود و اصلاح باورهای غلط موجود در جامعه.

۳-۴. بستر فرهنگی مناسب

۳-۴-۱. نهادینه کردن فرهنگ حجاب

حکومت دینی نباید با اجبار و زور افراد را ملزم به انجام تکالیف الهی نماید، زیرا اعتقادات انسان‌ها در فضایی آزاد و رها از هرگونه اکراه و اجبار تحقق پیدا می‌کند. از این‌رو عمل از روی اجبار ارزشی ندارد و اجبار نتیجه عکس داشته و موجب ایجاد تنفر و رواج ریا و نفاق عملی می‌گردد، در نتیجه در حکومت دینی نباید هیچ الزامی در تکالیف الهی برقرار گردد. به نظر می‌رسد در مسأله بی‌حجابی و بدحجابی نیز نباید از زور و اجبار استفاده شود بلکه باید تلاش شود از طریق کارهای فرهنگی و نهادینه کردن فرهنگ حجاب در جامعه این مشکل برطرف شود.

۳-۴-۲. فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

حفظ جامعه اسلامی در برابر انواع انحرافات امری است که نظارت عمومی را ایجاب می‌کند تا بدین وسیله فرد و جامعه به فساد و انحراف کشیده نشوند. این موضوع در دین اسلام به صورت حساب‌شده و منطقی تحت دو وظیفه بسیار مهم «امر به معروف و نهی از منکر» پیش‌بینی گردیده است. اجرای صحیح این وظایف اهرمی نیرومند برای ریشه‌کن کردن فساد و عاملی استوار برای سوق دادن فرد و جامعه به سوی تکامل همه‌جانبه معنوی و مادی است. بر همین اساس آیات و روایات بسیاری با تأکید بر اجرای این فریضه مسلمانان را به انجام آن ملزم می‌کند. اما ترک و عدم اجرای این فریضه الهی باعث می‌شود که فساد اخلاقی و اجتماعی و انحرافات دیگر، جامعه را آلوده سازد. در نتیجه یک جامعه اسلامی در صورتی به فلاح و رستگاری می‌رسد که تمام افراد آن جامعه به ایفای این فریضه بپردازند. یکی از آیاتی که در قرآن بر روی امر به معروف و نهی از منکر تأکید داشته است آیه ۱۰۴ سوره آل عمران است با این مضمون که «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ آن‌ها همان رستگارانند» (آل عمران/۱۰۴) امر کردن مردم به نیکی و جلوگیری از انجام منکر و زشتی، در جاهای دیگری از قرآن نیز آمده است که این نشان از اهمیت این موضوع در نزد حاکم مطلق دارد.

۳-۴-۳. نقش علما و روحانیون

اساساً کار اصلی علما و روحانیون رساندن مردم به رستگاری دنیوی و اخروی است و بنابراین در زمینه حجاب که سهم بسزایی در سعادت دنیوی و اخروی فرد و جامعه دارد نیز وظیفه و نقش علما و روحانیون قابل‌ملاحظه خواهد بود. مشارکت نهاد مدنی جامعه علماء و مبلغین دینی در جامعه به چند شکل قابل تصور است که به آن‌ها اشاره می‌شود.

- در حیطه پژوهش و تحقیق پیرامون حجاب، نقش آن در سلامت روحی فرد و جامعه، نظر اسلام در باب حجاب و
- در حیطه تبلیغ و اطلاع‌رسانی به منظور زدودن توهمات، عادات و رسوم نادرست و پیروی از جاهلیت مدرن غربی.

- تذکر دادن و یادآوری اهمیت مسأله حجاب در جامعه در موقعیت‌های مختلفی همچون: خانه، مسجد، روضه، کلاس درس، رسانه‌ها و ...
- معرفی و آشنا کردن افراد جامعه با هویت، فرهنگ و اصالت خود و آگاه کردن آنان از روش‌های هجوم فرهنگ بیگانه.

۴. سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در قبال بی‌حجابی و بدحجابی

پیشگیری واکنشی که از نظر ماهوی اقدامی پسینی است، پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می‌شود. (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۷۲) پیشگیری واکنشی، ناظر به اقدام کیفری بعد از وقوع جرم است که با بهره‌گرفتن از سازوکارهای نظام عدالت کیفری در تلاش برای کاهش نرخ بزه‌کاری است. رهیافت پیشگیری واکنشی ارعاب‌انگیزی فردی، جمعی و عبرت‌آموزی است تا از بزه‌کاری نخستین و بزه‌کاری دوباره افراد جلوگیری کند. (عباچی، ۱۳۸۳: ۶۳) هرچند در تعاریف بالا سیاست جنایی واکنشی را اقدامات کیفری پس از وقوع جرم معرفی کردیم اما باید اضافه کنیم که «آورده رهیافت سیاست جنایی مشارکتی نشان داده که نهاد عدالت کیفری تنها مرجع پاسخ‌گو نیست؛ بلکه از ظرفیت نهادهای مردمی و جامعه‌ی نیز می‌توان استفاده نمود. بنابراین در این وضعیت دخالت مردم و نهادهای مدنی در فرآیند پس از وقوع جرم وجود دارد.» (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳) در سیاست جنایی مشارکتی واکنشی نیز ما به دنبال پاسخ جامعه‌ی هستیم. پاسخ جامعه‌ی پس از بزه عبارت است از «یک پاسخ خاص اجتماعی یا پاسخ اعتراض‌آمیز گروه اجتماعی - طرد مجرم یا منحرف، انتقام‌جویی یا میانجی‌گری معمول توسط گروه یا با یک پاسخ منفی برخاسته از محیط کاری حرفه‌ای- برای مثال پاسخ‌های انضباطی فدراسیون‌های ورزشی، سازمان نظام پزشکی، کانون وکلا، کانون سردفتران و ...، یا با یک پاسخ انفرادی بزه‌دیده -دفع شخصی از خود- قابل‌بیان است. البته مشروط به این‌که پاسخ انفرادی مزبور به‌عنوان روشی در گروه پذیرفته شده باشد.» (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۱۳۹)

۴-۱. کشف و اعلان جرم

مطابق حقوق کیفری ایران جرائم از یک منظر به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول جرائم غیرقابل گذشت مطلق بوده که گذشت یا عدم گذشت شاکی خصوصی در آن بی‌تأثیر است و تقاضای رسیدگی توسط شخص خاصی نیز برای پیگیری جرم لازم نیست. دسته دوم جرائم قابل گذشت مطلق بوده که تعقیب و ادامه رسیدگی منوط به اراده بزه دیده است و بعد از گذشت شاکی خصوصی رسیدگی موقوف می‌شود (ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری). دسته سوم جرائم بینابین هستند، به نحوی که شروع رسیدگی منوط به اراده شاکی خصوصی است؛ ولی در ادامه یا توقف رسیدگی نقشی ندارد و مقام قضایی حسب مورد ممکن است رسیدگی را ادامه دهد یا متوقف نماید.

به نظر می‌رسد جرم بی‌حجابی در عصر حاضر در گروه اول قرار بگیرد چرا که خود به تنهایی و بدون نیاز به شاکی خصوصی جرم شناخته می‌شود و از جرائم غیرقابل گذشت است که در صورت نبود شاکی خصوصی نیز باید پیگیری شود. خوب وقتی ما یک جرم را در گروه جرم‌هایی غیر قابل گذشت مطلق قرار می‌دهیم و از طرف دیگر در مرحله اجرا و در زمینه کشف و اعلان جرم تا این حد سستی می‌نماییم تا جایی که برخی از بازیگران زن سینمای و سیمای جمهوری اسلامی پوشش نامتعارف را تبلیغ می‌نمایند و کوچک‌ترین برخوردی با آنان نمی‌شود باید هم انتظار داشت که در جامعه بی‌حجابی رو به گسترش باشد.

در راستای کاهش رقم جرائم بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه و با علم به این مسئله که افراد بزه‌کار به علل مختلف نوع خاصی از پوشش را انتخاب می‌کنند اما اگر ما ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی را اصلاح ننماییم و از طرف دیگر با افراد بی‌حجاب نیز برخورد (فرهنگی، مشارکتی، کیفری) نداشته باشیم سیاست مناسبی را در پیش نگرفته‌ایم. در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در راستای اهداف مشارکتی، امکان اعلام جرم از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد در خصوص جرائم زنان پیش‌بینی شده است. به این ترتیب به نحوی به موارد اعلامی ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری افزوده شده است. اگرچه در مواردی که جرم مزبور دارای بزه دیده خاص باشد، اجرای این حق توسط نهادهای مردمی را منوط به اخذ رضایت دانسته

است که ممکن است خصوصاً در جرائم خانگی این رضایت تحت تأثیر تداوم زندگی و اجتناب از انتقام وی اخذ نشود. با این وجود علی رغم کاستی‌های موجود، قانون‌گذار گام بزرگی در کاهش تزییع حقوق بزه‌دیدگان خاص خصوصاً نوجوانان برداشته است. باید خاطر نشان کرد که این ماده در سال ۹۴ دستخوش اصلاحاتی قرار گرفت به نحوی که مقرر داشته است: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی «جهت اقامه دلیل» و «اعتراض به آرای مراجع قضایی» شرکت کنند. (عظیمیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۰)

هرچند در جرم بی‌حجابی، زنان خود بزه‌کار محسوب می‌شوند اگر چه ممکن است همین جرم بی‌حجابی که توسط خود شخص صورت گرفته زمینه ارتکاب جرائم دیگری را علیه زنان به جود آورد لیکن ما نمی‌توانیم زنان که خود مرتکب بی‌حجابی شده‌اند بزه‌دیده تلقی کنیم. اما مطلبی که ممکن است تصور شود این است که کودکان و نوجوانان دختر با الگوبرداری از زنان بی‌حجاب، خود در آینده مرتکب جرم بی‌حجابی شوند و بنابراین می‌توان این گروه از افراد جامعه را قربانیان بالقوه جرم بی‌حجابی معرفی نمود. که البته این موارد نیاز به اصلاح قانون و قانون‌گذاری دارد.

۴-۲. پاسخ شخصی - انضباطی

افراد جامعه مدنی هر یک می‌توانند با دوری از بزه‌کار و فرد مجرم به او یک پاسخ شخصی داده باشند در واقع این حرکت یک نوع نهدی از منکر عملی تلقی می‌شود. چراکه فرد می‌داند که به سبب فعل اشتباهی که انجام داده است افراد از او روی گردان شده‌اند. در زمینه بی‌حجابی و بدحجابی پاسخ شخصی افراد می‌تواند به اشکالی تبلور یابد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به قطع ارتباط با فرد، کاهش سطح دوستی و صمیمیت، حذف از گروه و دیگر روش‌های تنبیهی که توسط اعضای جامعه انجام بگیرد.

در واقع پس از وقوع و مشاهده بی‌حجابی و بدحجابی، نحوه برخورد اعضای جامعه با این پدیده در کاهش یا افزایش آن تأثیر فراوان خواهد داشت. به نظر می‌رسد که در جامعه کنونی ایران پاسخ جامعی به پدیده مجرمانه بی‌حجابی و بدحجابی چندان از شدت کافی و بازدارندگی کافی برخوردار نبوده است و حتی در بسیاری از موارد با پاسخ مثبت همراه بوده است به عنوان مثال می‌توان این پاسخ‌های مثبت را در انتخاب افراد جویای کار و نوع برخورد صمیمانه با کارکنان مشاهده نمود. به نظر می‌رسد اگر پاسخ عمومی افراد جامعه از شدت کافی برخوردار باشد و با طرد یا انتقام از مجرم همراه شود، نقش فوق‌العاده‌ای در پوشش بانوان خواهد داشت. در این زمینه بار دیگر نقش رسانه‌ها به عنوان مرجع آموزش عمومی ممتاز می‌شود.

پاسخ انضباطی در واقع همان پاسخ شخصی است که از طرف نهادهای مدنی به فرد بزه‌کار داده می‌شود. فرد بی‌حجاب و بدحجاب چون در نظم نهاد مدنی اختلال ایجاد کرده است باید با تنبیه، حذف، کاهش نمره ارزشیابی یا هر رفتاری از طرف آن نهاد مواجه باشد. به نظر می‌رسد پاسخ‌های مدنی انضباطی نیز یکی از راهکارهای پاسخ‌گویی مدنی و مناسب به بی‌حجابی و بدحجابی باشد.

۴-۳. پرهیز از تحریک بزهکار

از جمله راه‌های پیشگیری وضعی، پرهیز از تحریک بزهکار است. نظریه پردازان پیشگیری وضعی، از جمله شیوه‌های پیشگیری وضعی را حذف یا کاهش جذابیت و وسایل تحریک‌آمیز و همچنین از بین بردن عواملی که سبب تحریک یا تشویق فرد بزهکار می‌شود می‌دانند. (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۵) یکی از نکاتی که در برخی از موارد باعث تحریک مرتکبان به بی‌حجابی و بدحجابی می‌شود، برخی از حرکات نامناسب عزیزان نیروی انتظامی در سطح معابر و خیابان‌ها است که گرچه آنان به دنبال کاهش میزان بی‌حجابی و بی‌حجابی هستند ولی گاهی دیده شده است که بیگانگان با به تصویر کشیدن برخی از این حرکات، دیگر افراد جامعه ایران را تشویق به بی‌حجابی و بدحجابی می‌نمایند. درواقع دختران و زنان ما نباید احساس کنند که به اجبار مجبورند نوع خاصی از پوشش را داشته باشند بلکه باید انتخاب نوع خاص از پوشش با نظر و صلاح‌دید خودشان باشد. به نظر می‌رسد که توسل به زور

در باب بی‌حجابی و بدحجابی نه تنها باعث بهبود وضع فعلی نخواهد شد بلکه سبب می‌شود فرد بدحجاب یا بی‌حجاب نسبت به کارش با وقاحت و بی‌شرمی بیشتری ادامه دهد. پس هم نهادهای مدنی و هم پاسخ‌های کیفی نباید به شکلی باشد که باعث تحریک فرد بی‌حجاب و بدحجاب باشد.

۴-۴. بزه دیده زدایی

نگاه افراد جامعه در مسأله بی‌حجابی و بدحجابی موجب نشر و گسترش آن به‌عنوان یک ارزش و حمایتی ناخواسته از فرد مجرم است. اگر گروه بی‌حجاب و بدحجاب با نگاه و توجه جامعه، همراه شوند قطعاً باعث می‌شود فرد نسبت به کاری که انجام داده است احساس خوشحالی کند و دیگر آن که افراد دیگر هم برای جلب لنز دوربین نگاه دیگران در اقداماتی مشابه به بی‌حجابی روی می‌آورند. باید در جامعه الگوسازی‌ها و ارزش‌گذاری‌های فرهنگی به سمت این باشد که افراد از دیدن بی‌حجابی ملول و ناراحت گردند و با چنین نگاهی بی‌شک فرد بی‌حجاب احساس ناخوشایندی پیدا خواهد کرد و با این انزوا و نحوه برخورد افراد جامعه با وی، در پی اصلاح خویش برمی‌آید. در واقع میل عمومی جامعه، تشویق‌کننده یا مانع افراد در این امر است.

۴-۵. ارجاع به مراکز تخصصی حجاب

به نظر می‌رسد پاسخ‌های دولتی و واکنش‌های دولت به مسأله بی‌حجابی و بدحجابی مسائل و مشکلاتی نظیر تحریک فرد بزه‌کار، سوءاستفاده رسانه‌های مغرض و زیر سؤال بردن نظام را در پی خواهد داشت حال اگر ما در جامعه اسلامی یک تشکل مردم‌نهاد برای پاسخ‌های جامعه‌وی در مسأله بی‌حجابی و بدحجابی داشته باشیم، خواهیم دید که نقایص کار برطرف خواهد شد. البته این مرکز تخصصی باید در کمال احترام، افراد را با خواست خودشان نه به اجبار - وارد کرده و در آن‌جا مراحل آموزشی و معرفتی به مراجعین داده شود. درواقع یک واکنش مدنی به فرد بی‌حجاب، باید درخواست مردم از او جهت شرکت در کلاس‌های این مراکز باشد. ضمن این‌که برخی از افراد که شاغل در مرکز هستند می‌توانند با روش‌های محبت‌آمیز از فرد بخواهند که در این کلاس‌ها شرکت نماید. در این مراکز تخصصی باید افراد بسیار کاردان و متخصص با شیوه‌های تبلیغی نو و جدید با فرد رفتار کنند.

برآمد

با مطالعه سیر پوشش بانوان در سال‌های اخیر خواهیم دید که بی‌حجابی و بدحجابی به طرق مختلف و دلایل گوناگون در حال رشد بوده است. به نظر می‌رسد برای جلوگیری از این پدیده باید سیاست جنایی ما به سمت اقدامات پیشگیرانه سوق داده شود و هر گونه اقدام کیفری و نظامی موجب تحریک هر چه بیشتر افراد شده و نتیجه عکس خواهد داشت. در این پژوهش به بررسی روش‌ها، اقدامات و راهکارهای سیاست جنایی مشارکتی در کنترل بی‌حجابی و بدحجابی به عنوان بهترین سیاست جنایی در کنترل بی‌حجابی و بدحجابی نگاه شده است. در اهمیت و گران سنگ بودن ارزش اقدامات پیشگیرانه از جرم باید دانست که پیشگیری در اسلام، قانون اساسی، حقوق ایران و در سطح جهانی مورد توجه می‌باشد و به هر حال به عنوان روشی مناسب در جهت اصلاح مجرمان مورد توجه قرار گرفته است. و به نظر می‌رسد با توجه به چالش‌های بسیاری که سایر روش‌ها در مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی دارند بهترین روش استفاده از سیاست جنایی مشارکتی و ظرفیت نهادهای مدنی و غیر رسمی خواهد بود.

این پژوهش پس از بیان اهمیت اقدامات پیشگیرانه به بیان راهکارهای پیشگیرانه و سیاست جنایی مشارکتی در کنترل بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه بوده است؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اقدامات پیشگیرانه و مشارکتی بهترین و سودمندترین راه برای کنترل و مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه امروزی است. در این نوشتار به سیاست‌های جنایی مشارکتی کنش‌محور که به منظور پیشگیری از وقوع جرم می‌پردازد و سیاست جنایی مشارکتی واکنشی که به منظور پیشگیری از تکرار وقوع جرم است پرداخته شد. در قسمت سیاست جنایی کنش‌محور به اقدامات اجتماعی که شامل اقداماتی همچون: بستر اقتصادی، ساماندهی مد و لباس، اقدامات اجتماعی و فرهنگی مناسب در جامعه اشاره شد که هر یک می‌تواند در کنترل بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه مؤثر باشد. و پس از آن اقدامات پیشگیرانه در سیاست جنایی واکنشی نیز عنوان گردید که به پاسخ‌شخصی، پرهیز از تحریک بزه‌کار، بزه‌دیده زدایی، ارجاع محترمانه به مراکز تخصصی حجاب پرداخته شد و تمامی موارد گفته‌شده را از راهکارهای پیشگیری و مشارکت مردم در کنترل بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه دانست.

منابع

- ابن منظور، محمدبن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر. چاپ سوم، ۱۴۱۴ هجری قمری.
- اردبیلی، محمدعلی، *پیشگیری از اعتیاد*. مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی جنبه‌های مختلف جنایی در قبال مواد مخدر، ج ۱، تهران: روزنامه اصلی، ۱۳۷۹.
- اکبری، محمدرضا، *تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر*، اصفهان: شهید فهمیده، ۱۳۷۶.
- جمشیدی، علیرضا، *سیاست جنایی مشارکتی*. تهران: میزان. چاپ دوم، ۱۳۹۴.
- دشتی، محمد، *نهج البلاغه*. ترجمه نهج البلاغه امیرالمؤمنین (ع)، تهران: پیام عدالت، چاپ نهم، ۱۳۸۷.
- دلشاد، مصطفی، *سیری در تربیت اسلامی*. تهران: دریا، ۱۳۸۵.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*. ج ۴، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- رستمی، ولی، *مشارکت مردم در فرآیند کیفری بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی*. «فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)»، سال ۳۷، شماره ۲، ۱۳۸۶.
- سعدی، مصلح‌الدین، *گلستان*. به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران: مروی. چاپ نوزدهم، ۱۳۸۶.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم، *دوازده هزار ضرب‌المثل فارسی*. مشهد: آستان قدس رضوی. چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- صفاری، علی، *مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم*. «مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی»، ش ۳۴-۳۳، ۱۳۸۰.
- عباچی، مریم، *پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی زنان*. «مجله حقوقی دادگستری»، صص ۴۷-۷۵، ۱۳۸۳.

- عظیمیان، عسل و شاملو، باقر و مهدوی‌ثابت، محمدعلی و مهرا، نسرین، **پراگماتیسم سیاست جنایی مشارکتی در قبال خشونت علیه زنان**، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۲، ۱۳۹۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). **کتاب العین**، ج ۳، قم: هجرت. چاپ دوم، ۱۴۱۰ هجری قمری.
- کاوه، محمد، **آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی**. جلد اول، تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۱.
- کلینی، شیخ محمد یعقوب، **الکافی**. تحقیق: علی‌اکبر غفاری، ج ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- کی‌نیا، مهدی، **مبانی جرم‌شناسی**. ج ۲، تهران: دانشگاه تهران. چاپ نهم، ۱۳۸۲.
- لازرژ، کریستین، **درآمدی به سیاست جنایی**. ترجمه: دکتر علی حین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، ۱۳۸۲.
- محمود، مهدی، **پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد‌مادر)**. تهران: سمت، ۱۳۹۰.
- مطهری، مرتضی، **مسئله حجاب**. تهران: صدرا. چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- معتمدنژاد، کاظم، **وسایل ارتباط جمعی**. تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۵.
- معین، محمد، **فرهنگ فارسی**. جلد اول، تهران: امیرکبیر. چاپ نوزدهم، ۱۳۸۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، **پیشگیری عادلانه از جرم**. مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
- نورمحمدی، سیده معصومه، **سیاست جنایی افغانستان در قبال زنان بزه‌دیده (در پرتو اسناد بین‌المللی)**. تهران: میزان، ۱۳۹۰.
- نیازپور، امیرحسن، **از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی**، «آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی»، دوره جدید، شماره ۱، ۱۳۹۰.

A Participatory Criminal Policy Approach on Inappropriate and Removed Hijab

Abdolrahim Tarhani
Seyyed Mehdi Mansouri
Ali Jamadi

Due to their serious effect on the material and spiritual life of human societies, inappropriate and removed hijab are particularly important in our world. There has been a legal perspective on this issue in Iran after the victory of the Islamic Revolution. This study is an attempt to investigate the participatory and preventive criminal policy of the Islamic Republic of Iran and seek to find out the extent and possibility of non-governmental organizations' intervention at both active and passive levels with regard to women's inappropriate and removed hijab. This analytical desk-study attempts to explain preventive and participatory measures in this area. The findings show that participatory and preventive criminal policy should be highly considered to control inappropriate and removed hijab in society, particularly that inappropriate and removed hijab may, in some ways, be considered as a violation of individuals' privacy. The institutionalization of hijab in society and the realization of justice are better achieved through family-oriented plans, educational measures, increased public awareness, public participation, promoted accountability, and promoted culture. These measures should indeed be increased quantitatively and made more desirable qualitatively.

Keywords: participatory criminal policy, removed hijab, inappropriate hijab, hijab.